



۳۰ جون ۲۰۱۹

خلیل الله معروفی

"بی مادر شدن" زبانها



"روز مادر" آمد و گذشت و هرکس به قدر وسع و جاغور و "خدا و هست" خود چیزی نوشت و رفت. کلمات و عبارات تشریفاتی کلیشه‌وار و متحدالمال به شاخی باد شد و "مبارک و پرمیمنت و میمون و فرخنده و خجسته و بهشت زیر پای مادر است" و ... تا دل بخواهد بر قلم نویسندگان رقصیدند. اشعاری هم نثار مادر شد؛ و چنین است رسم تعارف و تعارفاتی روزگار ما. من ضمن این نوشته نه در پی تمجید و ستایش مادر هستم و نه "مادر" را ضامن یکه و یگانه و "بالفرد" بقای نسل میدانم. چه اگر "پدر و مادر" یکجای دست به کار نشوند، فرزندی به دنیا نخواهد آمد. پس جهت ابقای ابنای بشر - و هر "زنده جان" دیگر - رول پدر و مادر، هر دو را باید برجسته ساخت، ولو پرورش و سرپرستی و جغانت اولاد در بین "آبنای آدم" یا "بنی آدم" (و به اصطلاح عوام کابلی "بنیادم") و به زبان دیگر "بنی بشر"، بیشتر به دوش مادر است. اما چرا "زبان مادری" میگویند؟؟؟

"زبان اول" هرکس "زبان مادری" اوست، چون او این زبان را از مادر خود می‌آموزد. مادر مگر تنها اولین معلم و آموزگار زبان نیست، بلکه معلم و آموزگار اولین ارزشهایی نیز هست، که به اطفال انتقال داده میشود قطعاً در صدد نیستم، تا گپهای تکراری و مکرر در مکرر را تکرار کرده و به اصطلاح سازندگان عزیز و معزز خرابات، "مجرائی" بدهم. هدف من از نوشتن این سطور بی پر و بال و بی دم و یال موضوع دیگریست؛ و کاش بگذارند، که "پردی" بگویم و سخنم را شروع کنم:

سخن ازین قرار است، که در حدود شانزده هفده سال پیش کسی از نویسندگان وطنم، زیر نام "عبدالاحد میرزائی" - در ذکر نام کوچکش، مطمئن نیستم - مضمونی نوشت و در وبسایتهای منتشر کرد - از جمله در "سرنوشت" و خدا گردنم را نگیرد، در وبسایت "خاوران". آقای "میرزائی" طی نوشته خود ادعاه کرده بود، که:

«اگر زبان فارسی نباشد، زبانهای عالم "بی مادر" میشوند.»

بلی آن نویسنده بیچاره و درمانده و حیران، عنوان مقاله اش را در همین حدود شکل داده و قالب زده بود.

– او فکر کرده بود، که کلمه "مادر" را گویا "زبان فارسی" به زبانهای دیگر جهان وام داده است و جهت ثبوت ادعای خود کلمات مُعادلِ "مادر" را در چند زبان قطار کرده بود، که باهم هم‌نوائی لفظی دارند.

– و یا این، که شاید فکر کرده بود، که "زبان فارسی" گویا "مادر" زبانهای جهان است، که عذری ست هزاران بار بدتر از گناه.

ببینیم، که ادعای آقای "میرزائی" تا چه حدّ مقرون به حقیقت است. مگر از همین اول جداً و با قاطعیت باید گفت، که اگر آقای "میرزائی" از "میرزائی زبان" آگاه میبود، خود را از سرنوشت کلی زبانهای عالم باخبر میساخت و اینطور هوایی فیر نمیکرد و مشتئی در تاریکی نمیزد. در هر صورت آرزو میکنم، که این نوشته به چشم جناب "میرزائی" بخورد!!!

زبانشناسان به رؤیت شواهد موجود و مشهود و عینیّ ساختمان زبانها، تمام زبانهای عالم و دنیا و جهان را به چند گروه تقسیم کرده و هر گروه را به یک "مادرِ اولی" نسبت داده اند. چون ایشان به خاطر مشترکاتی، که در بین گروههای زبانها میبینند، فرض را بر آن مینهند، که تمام زبانهای هر گروه، از یک و عین مادر زاده شده اند. این نکته را به خاطر بسپاریم، تا از آن در سطور بعدی استنتاج و استنباطی بکنیم:

یکی ازین گروههای زبان، که بزرگترین گروه زبانهای دنیا هم هست، به نام فامیل زبانهای "هند و اروپائی" یاد میگردد، که پهنایش از "هند" تا بَر اعظم "اروپا" کشیده شده است. از وجوه عمده زبانها و السبته شامل این گروه "ترکیبی بودن" لغات و کلمات آن است. از همین سبب این گروه را "گروه زبانهای ترکیبی یا التصافی" هم یاد میکنند. زبانهای دری/فارسی، پشتو، بلوچی، کُردی در منطقه ما و زبانهای چون انگریزی، المانی، فرانسوی و بسا زبانهای دیگر اروپا، از جمله احفاد و دُرّیات و اعضای همین گروه "هند و اروپائی" هستند. این گروه زبانها را به گروهک‌ها تقسیم کرده اند، از قبیل:

– گروهک "هند و آریائی" و به اصطلاح ناوارد و غلط، "هند و ایرانی"، که "دری" و "پشتو" شامل آن هستند.

– گروهکِ هِلنستی، که شامل یونانی ست

– گروهکِ جرمانیک یا گِرمَانیک، که شامل المانی و انگریزی ست

– گروهکِ بالتیک، که شامل زبانهای حوزه بالتیک است

– گروهکِ رومانیک، که شامل اسپانیائی و فرانسوی میشود

– گروهکِ سلاوی، که شامل روسی و چکی و پولندی و ... میشود

وقتی "گروهک" میگوییم، منظورم از Subgroup انگریزی ست و معادل المانی آن Untergruppe، که من آن را چنین ترجمه کرده ام.

گفتیم، که هر دسته از زبانها مشترکاتی دارند. این مشترکات هم از نظر ساخت دستوری آنها قابل درک است و هم از نگاه مشترکات لغوی بی، که در بین آنها دیده میشود.

جهت تمثیل ترسیمی لغات مشترک این گروه، مثالهایی می‌آرم:

– "پدر" در زبان دری، که در زبان پشتو به شکل "پلار" عرض اندام میکند و در زبان انگریزی به شکل father و در زبان المانی به صورت Vater و در

– "برادر" زبان دری/فارسی، در پشتو "ورور" و در انگریزی brother، در المانی در هیئت Bruder دیده میشود

- "بُرَج" زبان دری/فارسی در زبان المانی به شکل Burg دیده میشود. البته اعراب این کلمه را عیناً از زبان دری اخذ کرده و جمع آن را به صورت "بُرُوج" استعمال میکنند، چنان، که در قرآن هم دیده میشود.

- کلمه "دو" در زبان دری/فارسی، در زبان پشتو به شکل "دوه" در المانی zwei در انگریزی به صورت two در زبان چکی به شکل dvě و در زبان فرانسوی (دو- به او مجهول) Deux قابل رویت است.

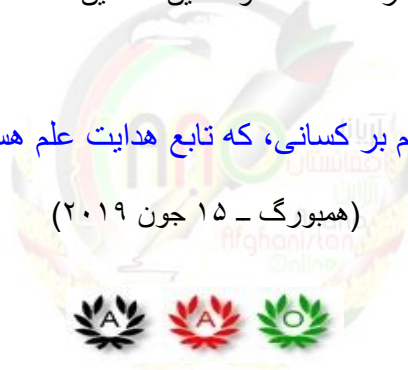
- کلمه "نه" و "نی" زبان دری در پشتو به شکل "نه"؛ در انگریزی به شکل "نات" not؛ در المانی به شکل "نیشت" nicht و "نین" nein؛ در زبان روسی به شکل "نیت" нет و

و مثالهای فراوان دیگر، که جهت گریز از اطاله سخن، فقط به همین مقدار بسنده کردم. این مثالها به نکوئی نشان میدهند، که این کلمات از یک ریشه برخاسته اند، چون در اول لغت "زبانِ مادر" بوده است، که در مناطق مختلف جهان بدین گونه تغییر شکل داده و انکشاف لفظی و فونتیک کرده است.

پس اگر کلمه "مادر" در زبان دری/فارسی بدین هیئت دیده میشود و در زبان پشتو به صورت "مور" و در المانی به شکل Mutter و در انگریزی به شکل mother و در زبان چکی به شکل maminka و در زبان فرانسوی به شکا (میر- میغ) mère و غیرهم، ازین سبب است، که این همه کلمات هم‌نوا، از "ریشه مشترک" و از "مادر مشترک هند و اروپائی" برخاسته و زاده اند یا زاده شده اند، و نه این، که این کلمات، خداناکرده از زبان "دری/فارسی" به زبانهای دیگر جهان انتقال یافته باشند.

والسلام بر کسانی، که تابع هدایت علم هستند!!!

(همبورگ - ۱۵ جون ۲۰۱۹)



"بی مادر شدن" زبانها

[Maroofi_k_۳۸_bee_maadar_shodan_e_zabaanaha.pdf](#)